

گزارش 6

خواهان: زلیخا

خوانده: علی

خواسته: تقاضای خلع ید از یکباب اطاق به مساحت تقریبی 6 متر از پلاک ثبتی 127/399 واقع در روستای مهاباد و مقوم به مبلغ 60/000/000 ریال به انضمام هزینه دادرسی **هزینه دادرسی پرداخت شده:** 1200000 ریال طی فیش شماره ...

تصمیم دادگاه: صدور قرار رد دعوی بشماره 881114 مورخ 90/2/5

مواد قانونی استناد شده: ماده 133 قانون برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - به ماده 2 قانون آئین دادرسی دادگاههای انقلاب در امور مدنی مصوب 1379

گردشکار: خواهان به استناد سند مالکیت یکباب اطاق به پلاک ثبتی

127/399 واقع در روستای مهاباد اعلام مالکیت نموده و ابراز داشته که خوانده آن را به صورت عدوانی تصرف نموده لذا با توجه به تصرف خوانده از محضر دادگاه تقاضای صدور حکم به خلع ید از یکباب اطاق فوق الذکر را تقاضا نموده.

مدیر دفتر پس از ثبت دادخواست و بررسی شرایط اساسی دادخواست وقت رسیدگی را برای تاریخ 89/1/31 تعیین نموده و به اصحاب دعوی اخطار نموده و در جلسه اول رسیدگی خوانده به شرح ذیل دفاع داشته است؛

که ملک فوق را از شخصی بنام علی اکبر خریداری کرده و یک سند از پلاک ثبتی 680 فرعی از 127 اصلی تقدیم دادگاه نموده است.

دادگاه با صدور **قرار ارجاع به کارشناس رسمی دادگستری** مراتب رسیدگی را ادامه می‌دهد.

سپس نظریه کارشناس رسمی دادگستری و استعلام از هر دو پلاک ثبتی اشاره شده در پرونده مطروحه به شرح ذیل اعلام می‌گردد؛ در خصوص پلاک 399 فرعی از 127 اصلی مطرح شده از سوی خواهان سند مالکیت در سال 1327 به نام صفر به ثبت رسیده و پس از آن در سال 1338 به موجب گواهی حصر وراثت به 5 نفر از وراثت که تنها وارث خواهان می‌باشد منتقل گردیده .

به موجب نظریه کارشناس رسمی دادگستری دو پلاک ثبتی فوق اشاره با یکدیگر اختلاف داشته و دو موضوع کاملاً منفک می‌باشد بگونه ای که پلاک ثبتی 399 فرعی از 127 اصلی در پلاک ثبتی 680 فرعی از 127 اصلی بوده و پلاک ثبتی مورد موضوع مطرح شده از سوی خواهان که یکباب طویل می‌باشد جزء پلاک ثبتی 699 فرعی از 127 اصلی بوده و از پلاک فوق مجزا شده است .

باتوجه به نظر کارشناس رسمی دادگستری دادگاه مبادرت به صدور رأی می‌نماید ؛

رای صادره بشماره 88/874

مورخ: 90/02/05

(رای دادگاه)

در خصوص دادخواست تقدیمی خانم زلیخا ... به طرفیت آقای علی... به خواسته خلع ید از یکباب اطاق به مساحت 6 متر مربع از پلاک ثبتی 399 فرعی از 127 اصلی مهاباد با این توضیح که خواهان اظهار داشت: خوانده به طور غاصبانه امتناع می‌نماید لذا محکومیت خوانده طبق ستون خواسته مورد استدعاست. نظر به محتویات پرونده مدارک ابرازی خواهان اظهارات طرفین، پاسخ استعلام ثبتی به شماره 81/9/8-1698/89 ثبت لوایح واصله از اداره ثبت اسناد و املاک فیروزکوه که رقبه موضوع خواسته را در سند مالکیت خواهان آورده است ولی طبق نظریه کارشناسی که توسط

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ارائه شده است و مصون از تعرض می‌باشد رقبه موضوع خواسته در سند مالکیت خوانده که بر اساس ماده 133 قانون برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران صادر شده است قرار دارد به عبارت دیگر رقبه موضوع خواسته در محدوده سند مالکیت طرفین پرونده می‌باشد بنا به مراتب طرح دعوا به کیفیت مطروحه در شرایط فعلی مطابق مقررات نبوده و قابلیت طرح و استماع را ندارد دادگاه با استناد به ماده 2 قانون آئین دادرسی دادگاههای انقلاب در امور مدنی مصوب 1379 قرار رد دعوی خواهان را صادر و اعلام می‌دارد رای صادره حضوری و ظرف مدت 20 روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر می‌باشد.

نظر و تحلیل کار آموز:

به موجب بند 3 ماده 51 آئین دادرسی مدنی یکی از شرایط اساسی دادخواست تعیین خواسته و بهاء آن می‌باشد. در این پرونده آنچه مورد توجه است خواسته خواهان بوده که خلع ید از یکباب اطاق در ستون خواسته ذکر شده بود و در شرح دادخواست دلیل تصرف را غاصبانه اعلام کرده بود و به آن دلیل که ید وی امانی بوده و خواهان ید او را غاصبانه ذکر کرده بود قاضی محترم قرار رد دعوی صادر نموده در صورتیکه آنچه در ستون خواسته ذکر شده مبنای اقامه دعوی بوده و محکمه خواسته را باید ملاک دعوی قرار دهد و اینکه ید امانی محسوب است یا غاصبانه تحت تشخیص دادگاه می‌باشد و تعارضی با اصل خواسته که یکباب اطاق است ندارد. و رسیدگی به اصل خواسته وظیفه دادگاه بوده و نحوه شرح دادخواست نمی‌تواند اساس دلیل رد دعوی باشد.

گزارش 7

خواهان: علی

خوانده: علی

خواسته: مطالبه یک فقره چک بانک رفاه بشماره 66318 بانک رفاه به مبلغ 50 میلیون ریال به همراه خسارت تاخیر تادیه و هزینه دادرسی **هزینه دادرسی پرداخت شده:** 950,000 ریال طی فیش شماره... و مبلغ 50000 ریال ابطال تمبر

تصمیم دادگاه: صدور رأی به محکومیت خوانده بشماره 881110 مورخ 89/9/12

مواد قانونی استناد شده: مواد 194 - 195 - 197 - 194 - 195 - 198 - 512 - 519 - 522 قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 1379 و مواد 311 و 313 قانون تجارت

گردشکار: به موجب دادخواست تقدیمی از سوی خواهان، خوانده مبلغ 50 میلیون ریال چک بانک رفاه را صادر نموده و در سررسید آن از سوی بانک محال علیه گواهی عدم پرداخت وجه چک صادر می‌گردد و خواهان علاوه بر مبلغ چک حکم به الزام پرداخت خسارت تاخیر و تعدی و همچنین هزینه دادرسی را از دادگاه حقوقی شهرستان درخواست می‌نماید.

مدیر دفتر با بررسی دادخواست و ضامم نسبت به تعیین وقت و اختاریه در تاریخ 89/1/31 اقدام نموده و در جلسه رسیدگی خواهان اظهار داشته که بموجب فروش سهامیک به خوانده مبلغ چک را از وی طلبکار می‌باشد.

در دفاع خوانده اظهار داشته که پس از انجام معامله به صورت اقساط مبلغ ده میلیون ریال طی فیش شماره 0754293 مورخ 87/12/2 - ده میلیون ریال طی فیش شماره 813525 مورخ 87/12/5 - و مبلغ پانصد هزار ریال طی فیش شماره 75432 مورخ 87/12/17 به حساب خواهان بشماره سیبا بانک ملی منظور نموده و با تقدیم تصویر

اسناد مذکور خواهان نیز ایرادی به اسناد وارد نیاورده و رای دادگاه به شرح ذیل صادر می‌گردد.

(رای دادگاه)

در خصوص دادخواست تقدیمی آقای علی... بطرفیت علی... به خواسته مطالبه یک فقره چک بشماره 87/11/28-66318 عهده بانک رفاه کارگران به مبلغ پنجاه میلیون و یکصد و هشتاد و نه هزار و هشتاد و نه ریال خسارت تاخیر تادیه و هزینه دادرسی با این توضیح که خواهان اظهار داشته خواننده بموجب چک مورد اشاره مبلغ مذکور را به وی بدهکار است که با مراجعه به بانک محال علیه با عدم پرداخت مواجه شده است لذا محکومیت خواننده طبق ستون خواسته مورد تقاضاست خواننده با حضور در جلسه دادرسی در دفاعیات خود اظهار داشته مبلغ چهارمیلیون و پانصد و بیست هزار تومان از طلب خواهان و وجه چک موصوف را در طی سه فقره قبض بانکی بشماره های 87/5/15-75429 بمبلغ پانصد هزار تومان که بحساب جاری شماره... بنام خواهان واریز نموده است و مبلغ دو میلیون و بیست هزار تومان مابقی را قبل از تاریخ 89/12/15 پرداخت نموده است و الان مبلغ باقی مانده را بدهکار است. دفاعیات خواننده مدارک ابرازی وی در خصوص پرداخت وجه مربوط به خواهان با عنایت به اینکه مدارک ابرازی خواننده در خصوص پرداخت مبلغ بیست و پنج میلیون و یکصد و هشتاد و نه هزار و ششصد و یکصد و هشتاد و نه ریال تا مبلغ 25 میلیون و یکصد و هشتاد و نه ریال وارد تشخیص می‌دهد و با استناد به مواد 194-195-198-512-519-522 قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 1379 و مواد 311 و 313 قانون تجارت حکم محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ 1- بیست و پنج میلیون و یکصد و هشتاد و نه ریال بابت اصل خواسته 2- مبلغ چهارصد و بیست و پنج هزار و ششصد و یکصد و هشتاد و نه ریال بابت هزینه دادرسی و تمبر مربوطه 3- خسارت تاخیر تادیه نسبت بمبلغ محکوم له که طبق تعرفه در حین اجرای حکم محاسبه خواهد شد در حق خواهان صادر و اعلام می‌دارد اما در خصوص دعوی خواهان به طرفیت خواننده مورد اشاره نسبت به مازاد بر میزان محکومیت تا مبلغ خواسته نظر به محتویات

پرونده و با عنایت به اینکه مدارک ابرازی خواننده حاکی از پرداخت آن می‌باشد دادگاه دعوی خواهان را وارد ندانسته و با استناد به مواد 194- 195- 197 قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم به بی‌حقی خواهان صادر و اعلام می‌دارد رأی صادر شده حضوری است و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر استان می‌باشد. مقرر است دفتر وفق مقررات اقدام و ابلاغ گردد.

تحلیل کار آموز: نظر به مواد تصریح شده در رای صادره در خصوص طرح

دعوی مواد 194- 195 تصریح بر اسنادی دارد که در مرحله دفاع ویا اقامه دعوی اصحاب دعوی ابراز می‌دارند و ماده 198 تصریح داشته که حق یا دینی برعهده کسی ثابت شد اصل بر بقای آن است مگر خلاف آن ثابت شود که خواننده در این دعوی با ارائه اسناد پرداختی خلاف واقع بودن کل مبلغ چک را ثابت نموده و قاضی محترم نظر به مواد 311 و 313 قانون تجارت نسبت به باقی مبلغ از کسر مبلغ پرداختی از سوی خواننده را مبنای خواسته قرارداداده و می‌توان بیان نمود که رای صادره بدون ابهامی بحق صادر شده و مواد 512-519-522 قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی که در رای صادره تصریح شده نسبت به محکومیت خواننده به شق دوم و سوم محکومیت همچون خسارت تأخیر تادیه پرداخت و همچنین هزینه دادرسی اشاره داشته و رای قاضی محترم مستند و تهی از ایراد می‌باشد.

گزارش 8

خواهانها: حسین- باقر - حاجی به وکالت زمانی

خواندگان: سیاوش - محمد - علی

خواسته:1- تقاضای اثبات مالکیت دو قطعه زمین به نامهای تپه سر به مساحت 300 متر مربع و پی درگاه به مساحت سه هزار متر مربع به پلاک ثبتی 255 فرعی از 98 اصلی 2- تقاضای صدور حکم خلع ید از رقبات مذکور
3- کلیه خسارات دادرسی فعلاً مقوم به 50,100,000 ریال
هزینه دادرسی پرداخت شده: 1/020/000 ریال طی فیش شماره ...

رای دادگاه: صدور قرار رد دعوی خواهان بشماره 481 مورخ 90/2/20

مواد قانونی استناد شده: ماده 2 قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 1379

گردشکار: با عنایت به دادخواست تقدیمی خواهانها ابراز داشته که دو قطعه زمین زراعی مذکور در ستون خواسته با پلاک ثبتی 255 فرعی از 98 اصلی در مالکیت پدرشان (محمد علی) بوده که با فوت وی آنان وارث او بوده اند نظر به اینکه زمین مورد دعوی به صورت امانی در ید خوانده ردیف اول بوده است لذا وی با انجام بیع فضولی زمین را به خواندگان ردیف 2 و 3 انتقال داده و با توجه به اینکه معامله نسبت به مال غیر بوده است ضمان مقبوض به عقد فاسد است و بیع فاسد اثری در تملک ندارد و سند ارائه شده از سوی خواهانها سند اصلاحات ارضی بوده لذا درخواست خواهان از دادگاه اثبات مالکیت و صدور حکم بر خلع ید بوده است .

مدیر دفتر شعبه یک دادگاه حقوقی با بررسی دادخواست و ضمائم وقت رسیدگی را تعیین نموده و مورخه 89/9/25 اولین وقت رسیدگی

را به خواندگان ابلاغ نموده است. و اخطاریه به صورت قانونی به خواندگان ابلاغ گردید.

خواهانها به همراه وکیلشان در جلسه اول شرکت نموده و اظهارات خود را به موجب دادخواست تقدیمی اعلام داشتند.

خواندگان هیچیک در جلسه دادرسی حضور نداشته.

دادگاه جلسه دیگری در تاریخ 89/11/27 تعیین نموده.

جلسه رسیدگی با حضور خواهانها و خواندگان تشکیل گردیده و با توجه به اظهارات خواهانها خواندگان اظهار داشتند که زمین مطرح شده متعلق به پدر ایشان بوده به ایشان انتقال یافته و متعلق به ترکه مورث نبوده است.

وزمینهای پی درگاه متعلق به شخص دیگری است و خواهانها سمتی در مالکیت آن ندارند.

((رای دادگاه))

در خصوص دادخواست تقدیمی آقایان حسین، باقر، حاجی همگی... با وکالت آقای... زمانی به طرفیت آقایان 1-محمد 2-سیاوش 3 - علی خواسته اثبات مالکیت دو قطعه زمین به نام های تپه سر به مساحت 3 من حدود 300متر مربع و پی درگاه به مساحت سه هزار متر مربع و خلع ید از رقبات مذکور و انتقال سند مالکیت ثبتی 255 فرعی از 98 اصلی با احتساب کلیه خسارات قانون مقوم به 5010000 ریال نظر به محتویات پرونده و مدارک ابرازی خواهان و برای اینکه خواهان ها با تلقی وراثت از مورث و پدر خود به نام محمد معروف به آقا محمد مبادرت به طرح دعوی نموده اند در حالی که دلیل سمت خود را که گواهی انحصار وراثت است، ارائه ننموده اند بنا به مراتب دادگاه به لحاظ اینکه طرح دعوی به کیفیت مزبور قابلیت استماع را ندارد و مطابق با مقررات قانونی نمی باشد با استناد به ماده 2 از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 1379 و ماده اول قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب

1309 با اصلاحات بعدی قرار رد دعوی خواهان ها را صادر و اعلام می دارد رای صادر شده حضوری محسوب و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در محاکم تجدید نظر استان می باشد.

تحلیل کار آموز: با عنایت به ماده 2 قانون آئین دادرسی دادگاههای

عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 1379 که تصریح می‌دارد هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر آنکه اشخاص ذینع،.....برابر قانون درخواست نموده باشد. آنچه که قاضی محترم به استناد آن قرار رد دعوی صادر نموده صحیح بوده و اینکه رسیدگی به پرونده مطروحه به لحاظ عدم احراز سمت قائم مقامی غیر قانونی بوده است و قاضی محترم به این نکته بطور صحیح اظهار نظر داشته است.

گزارش 9

خواهانها: (1) شهرام - (2) محمد

خواندگان: (1) مهرداد - (2) سعدالله

خواسته: مطالبه مبلغ 350,000,000 ریال باقیمانده ثمن معامله یک قطعه

زمین با احتساب کلیه هزینه های دادرسی

هزینه دادرسی پرداخت شده: دعوا مالی 6,950,000 ریال طی فیش شماره...

و 50000 ریال ابطال تمبر

تصمیم دادگاه: صدور رأی به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ خواسته

بشماره 207 مورخ 89/3/20

مواد قانونی استناد شده: ماده 362 قانون مدنی و مواد

198 و 519 و 520 قانون آیین دادرسی مدنی

گردشکار: خواهانها به موجب مبایعه نامه عادی مورخ 88/11/4

فروشنده شش دانگ یک قطعه زمین به پلاک ثبتی 94 اصلی به مساحت

8910 متر مربع واقع در بخش مرکزی بوده است که مبلغ کل ثمن

معامله 650,000,000 ریال بوده که در زمان وقوع عقد 30,000,000 ریال آن به

فروشنده (خواهانها) پرداخت شده و خریدار (خواندگان) ملزم به

پرداخت مبلغ 350,000,000 ریال آن بعنوان مابقی ثمن معامله بوده اند

که با تخلف از شرایط مندرج در عقد از پرداخت مبلغ فوق

خودداری نموده اند.

مدیر دفتر شعبه یکم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان با بررسی

دادخواست و ضامم نسبت به تعیین وقت اقدام نموده و اولین

جلسه رسیدگی 89/3/1 تعیین و به اصحاب دعوی طی اخطاریه ابلاغ

گردیده که در جلسه فوق خواهانها حضور رسانده ولیکن خواندگان

حضور نداشتند.

خواهانها به شرح دادخواست تقدیمی اظهاراتشان را مطرح نموده اند و افزایش خواسته ویا کاهش خواسته ای از سوی خواهانها مطرح نگردید.

و دادگاه نسبت به صدور رای به شرح ذیل اقدام می‌نماید؛

شماره دادنامه : 207 مورخ 89/3/20

(رای دادگاه)

در خصوص دعوی آقایان شهرام... و محمد... به خواسته مطالبه مبلغ سیصد و پنجاه میلیون ریال از بابت باقیمانده ثمن معامله يك قطعه زمین موضوع فروشنده عادی مورخ 1388/11/4 به پلاک ثبتی 94 اصلی شهرآباد به انضمام هزینه دادرسی با توجه به محتویات پرونده وبا توجه به مندرجات متن مبایعه نامه عادی پیوست دادخواست که حسب آن وقوع معامله نسبت به پلاک ثبتی مذکور با تعیین بهای ششصد و پنجاه میلیون ریال بین خواهان ها و خواندگان محرز و مسلم است و باتوجه به مدارک استنادی خواهانها مبلغ خواسته از بابت تتمه بهای مبیع باقی مانده است وبا توجه به اینکه خواندگان علی‌رغم ابلاغ اخطاریه و اوراق قضایی در دادگاه حاضر نشده و در قبال دعوی مطروحه دفاعی به عمل نیاورده اند و ایرادی به مستندات خواهان ها وارد نکرده اند لذا دادگاه دعوی خواهان ها را وارد و ثابت دانسته و به استناد ماده 362 قانون مدنی و مواد 198 و 519 و 520 قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت متساوی خواندگان به پرداخت مبلغ سیصد و پنجاه میلیون ریال از بابت اصل خواسته و مبلغ شش میلیون و نهصد و پنجاه هزار ریال از بابت هزینه دادرسی در حق خواهانها صادر و اعلام می نماید . رأی دادگاه غیابی بوده و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی قابل واخواهی در این دادگاه و سپس ظرف مدت بیست روز قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه تجدید نظر استان است.

در جریان ادامه رسیدگی:

آقای هادی به وکالت از خوانندگان وارد دعوی شده و دادخواست واخواهی را تقدیم دادگاه نموده و مدیر دفتر با بررسی دادخواست و ضمائم وقت رسیدگی را در تاریخ 89/7/14 تعیین نموده است

در جلسه فوق الذکر خواهانها حضور داشته و وکیل خوانندگان پرونده نیز حضور داشتند و چون دادخواست تقدیمی خارج از موعد قانونی تقدیم دادگاه شد قرار رد دادخواست از سوی شعبه صادر گردیده و بشرح ذیل می‌باشد؛

((رأی دادگاه))

در خصوص اعتراض آقای سعاده نسبت به قرار رد دادخواست به شماره 1002 مورخ 89/11/30 و ثبت از طرف مدیر دفتر شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی نظر به محتویات پرونده و مدارک ابزاری و برای اینکه اولاً در تاریخ 89/11/11 به وکیل واخواه ابلاغ گردیده ولی وی در فرجه قانونی نسبت به اعتراض اقدام ننموده است ثانیاً "صرف نظر از موارد ذکر شده در شماره قبل از ناحیه معترض دلیلی بر نقض قرار صادره ارائه نشده است و قرار رد دادخواست صادره از طرف مدیر دفتر وفق مقررات قانونی می‌باشد لذا دادگاه محض رد اعتراض واخواه نسبت به قرار رد دادخواست قرار صادره معترض عنه را عیناً تایید می‌نماید و اعلام می‌دارد . رأی صادره حضوری محسوب و قطعی است.

تحلیل کار آموز:

بموجب ماده 305 قانون آئین دادرسی مدنی محکوم علیه حق دارد به حکم غیابی اعتراض نماید و به موجب ماده 306 قانون آئین دادرسی مدنی مهلت قانونی جهت اعتراض برای اشخاص مقیم ایران 20 روز از تاریخ ابلاغ می‌باشد. ولی آنچه مورد بحث است آنکه به صراحت ، قانونگذار ابلاغ واقعی را ملاک عمل قرار داده و نه ابلاغ قانونی در صورتیکه ابلاغ به خوانندگان قانونی بوده است . و زمان ابلاغ واقعی بر دادگاه پوشیده است.

گزارش 10

خواهان: ننه جان فرزند رمضان

خوانده: عباسعلی

خواسته: تقاضای صدور حکم به اثبات مالکیت یک قطعه زمین به پلاک

ثبتي 670 فرعي از 71 اصلي روستاي لزور مقوم به 3,100,000 ریال با احتساب هزینه دادرسی

هزینه دادرسی پرداخت شده: 63,000 ریال طی فیش شماره...

تصمیم دادگاه: صدور رأی مبني بر عدم استماع دعوي

مواد قانونی استنادی: ماده 2 قانون آئین دادرسی عمومی و انقلاب

گردشکار: به موجب دادخواست تقدیمی خواهان اظهار داشته که یک

قطعه زمین به مساحت 1200 متر مربع به پلاک ثبتي 670 فرعي از 101 اصلي به موجب گواهي حصر وراثت تقدیمی در ضامم دادخواست از پدر خود به موجب وصیتنامه به ارث رسیده که به صورت استیجاری به مدت 4 سال به خوانده واگذار نموده که ادعای مالکیت می‌نماید.

مدیر دفتر شعبه 1 دادگاه عمومی حقوقی فیروزکوه با بررسی دادخواست و ضامم نسبت به تعیین وقت رسیدگی مبادرت نموده و به اصحاب دعوي با اخطاریه ابلاغ نموده است اولین جلسه رسیدگی

86/9/20 با حضور خواهان و خوانده تشکیل گردیده و **قرار تحقیق و معاینه**

محلی و کارشناسی از سوی قاضی شعبه صادر گردیده که در تاریخ 87/2/14

با حضور اصحاب دعوي انجام گرفته و کارشناس نظر خود را بشرح ذیل اعلام داشته است؛

گواهان حاضر در معاینه محل و کروکی تصریحی زمین واقع در سی سی دشت بمساحت تقریبی 1200 متر مربع متعلق به مورث خواهان خانم ننه جان... بوده است که از طریق ارث به نامبرده رسیده و چند سالی در اجاره خوانده (عباسعلی...) قرار داشته و از سال 1386 توسط خواهان گندم کاشته شده و در تصرف خواهان بوده است. دادگاه در جلسه بعدی رسیدگی از اداره ثبت استعلام درخواست داشته و استعلام ثبت بشرح ذیل اعلام می‌گردد؛ در خصوص پلاک ثبتی 101/670 پرونده ثبتی سند مالکیت برگشتی ششدانگ یک قطعه زمین زراعتی آبی موضوع واقع در فیروزکوه به ذیل ثبت 2136 صفحه 285 دفتر جلد 23 قرار بنام آقای فتح اله... صادر و ضمیمه پرونده می‌باشد. دادگاه پس از بررسی و مطالعه پرونده مطروحه رأی خود را به شرح ذیل اعلام می‌دارد؛

گردشکار: دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

(رأی دادگاه)

در خصوص دادخواست تقدیمی خانم ننه جان... بطرفیت عباس... بخواسته اثبات مالکیت یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت 1200 متر مربع به پلاک ثبتی 670 فرعی از 101 اصلی روستای لزور مقوم به سه میلیون و صد هزار ریال با احتساب هزینه دادرسی با این توضیح که خواهان اظهار داشته است که یک قطعه زمین کشاورزی مورثی بمساحت اعلام شده از پلاک ثبتی موصوف از پدرش به ارث رسیده است که زمین فوق برای مدت 4 سال بصورت استیجاری در اختیار خوانده قرار داشته است که متأسفانه سوء استفاده نموده است و ادعای مالکیت دارد لذا وفق ستون خواسته صدور حکم مورد تقاضاست نظر به محتویات بررسی شده و با عنایت به اینکه با توجه به پاسخ استعلام اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان

فیروزکوه بشماره مورخ 1388/11/29 شش‌دانگ پلاک ثبتی موضوع خواسته بنام فتح اله می‌باشد و حسب محتویات پرونده و علی‌الظاهر پدر خواهان رمضان و پدر رمضان عبدالله و پدر عبدالله فتح اله می‌باشد و خواهان با تلقی وراثت با وسایط رمضان و عبدالله و فتح اله وراث دیگری وجود دارند یا خیر ارائه نشده است لذا جهت طرح دعوی گواهی انحصار وراثت مرحومان عبدالله و فتح اله مالک رسمی زمین موضوع خواسته ضروری است و سمت خواهان باید با ارائه گواهی انحصار وراثت محرز گردد لذا دادگاه طرح دعوی به کیفیت مطروحه را قابل رسیدگی و استماع ندانسته و با استناد به ماده اول قانون تصدیق انحصار وراثت و ماده 2 قانون آئین دادرسی عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 79 قرار رد دعوی اعلام می‌دارد رای صادره حضوری محسوب شده و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر استان می‌باشد.

تحلیل کار آموز: بموجب ماده 2 آئین دادرسی مدنی که قاضی محترم

شعبه 1 دادگاه عمومی حقوقی شهرستان بدان اشاره نمود تصریح می‌دارد که هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی کند مگر آنکه اشخاص ذینفع، برابر قانون درخواست نموده باشند و باید اعلام داشت که صدور حکم صادره از سوی قاضی محترم بحق بوده و ایرادی بر آن وارد نیست.

گزارش 11

خواهان: خانم مرصع

خواندگان: 1-مجید 2-زهرا 3-علی 4-

معصومه

خواسته: مطالبه طلب - تقاضای صدور حکم بر محکومیت خواندگان به پرداخت مبلغ 70000000 ریال بر اساس سند عادی مورخ 84/2/26 و 87/3/29/87 با احتساب هزینه دادرسی بشرح متن تصویر سند عادی مورخ 84/2/26 و 87/3/29 به امضاء مورث خواندگان عباس مضافاً گواهی حصر وراثت مورخ 88/12/24

هزینه دادرسی: 1350000 تمبر اوراق: 5000 ریال

مواد استنادی: مواد 194-195-198-515-519 قانون آئین دادرسی مدنی

مصوب 79

تصمیم دادگاه: صدور رای به محکومیت خوانده

گردشکار: به موجب يك فقره سند عادی مورخ 84/2/26 و 87/3/29 آقای

عباس مبلغ 70000000 تومان از خانم مرضیه به عنوان امانت تحویل گرفته و متعهد گردیده که به خانم مرصع تحویل دهد آقای عباس در تاریخ 88/6/23 فوت نموده و طرح دعوی از سوی خواهان به طرفیت ورثه (عباس) مبنی بر صدور حکم به محکومیت خواندگان به پرداخت مبلغ 70000000 ریال با احتساب هزینه دادرسی نموده است. مدیر دفتر با بررسی دادخواست و ضمایم جهت تعیین وقت اقدام نموده.

جلسه اول رسیدگی 90/3/16

وقت جلسه رسیدگی و اظهارات اصحاب دعوی:

خواهان به شرح دادخواست اظهارات خود را اعلام داشته است و خواندگان نیز حضور نیافتند.

گردشکار: دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رأی می نماید.

((رأی دادگاه))

در خصوص دادخواست تقدیمی خانم مرصع به طرفیت آقایان و خانمها 1- معصومه 2- علی 3- زهرا 4- مجید به خواسته الزام خواندگان به پرداخت مبلغ هفتاد میلیون ریال بابت اسناد عادی مورخ 84/2/26 و 87/3/29 با احتساب هزینه داور با این توضیح که خواهان اظهار داشت خواندگان، وراثت حین الفوت مرحوم عباس می باشند. مرحوم عباس همسر وی بوده است که بر اساس اسناد عادی مورد اشاره مبلغ خواسته را به خواهان بدهکار می باشد که وارث وی از پرداخت بدهی مورث خود امتناع می کنند که محکومیت آنان طبق خواسته مورد استدعاست، نظر به محتویات پرونده مدارک ابرازی خواهان و برای اینکه خواندگان علی رغم وصف ابلاغ حضور پیدا نکرده اند تا در قبال دعوی خواهان دفاع نمایند، دادگاه دعوی خواهان را وارد تشخیص می دهد و با استناد به مواد 194- 195-198-515-519 قانون آئین دادرسی مدنی مصوب 79 حکم به محکومیت خواندگان به پرداخت مبلغ 70000000 ریال بابت اصل خواسته و 1350000 ریال بابت هزینه دادرسی در حق خواهان صادر و اعلام می دارد رأی صادره نسبت به خوانده ردیف اول (معصومه) با توجه به ابلاغ واقعی اخطاریه (صفحه 6 پرونده) حضوری محسوب و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر استان می باشد ولی نسبت به بقیه خواندگان غیابی ظرف مدت بیست روز قابل واخواهی در این دادگاه سپس ظرف مدت بیست روز قابل تجدید نظرخواهی در محاکم تجدید نظر استان می باشد.

تحلیل کار آموز: نظر به مواد یاد شده در متن دادنامه خدشه ای بر رأی صادره وارد نبوده و رأی بحق صادر شده است.

گزارش 12

خواهان: 1-مسلم

خوانده: 1-شرکت حمل و نقل

خواسته: تقاضای صدور حکم اعسار از پرداخت محکوم به موضوع دادنامه

شماره 32 مورخ 90/1/30 و تقسیط آن بشرح

هزینه دادرسی: خواسته جزء دعاوی غیر مالی و مبلغ 50/000 ریال ابطال

تمبر

منضمات دادخواست: تسویه دادنامه - استشهادیه در هفت فقره

مواد استناد شده: ماده 2 قانون آئین دادرسی مدنی

تصمیم دادگاه: صدور رای به رد دعوی (عدم استماع)

گردشکار: خواهان به موجب دادنامه شماره 32 مورخ 90/1/30 محکوم به

پرداخت مبلغ 51/000/000 ریال بابت عدم انجام تعهد و خسارات

وارد و محکوم له و 1/120/000 ریال بابت هزینه داور و گردیده و

خواهان به دلیل فقر مالی با تنظیم استشهادیه در 7 فقره.

پرونده کلاسه 684/1/89 به طرفیت شرکت حمل و نقل ... و آقای

مسلم ... که برحسب قرارداد مبیعه نامه یک دستگاه

تریلر کشنده از شرکت حمل و نقل تحویل گرفته و متعهد به پرداخت

مبلغ 51/000/000 ریال گردیده که علی رغم عدم انجام تعهد طی

درخواست صدور حکم مبنی بر اعسار از پرداخت محکوم له داشته و

همچنین در خواست تقسیط مبلغ محکوم به را داشته است.

وقت جلسه رسیدگی و اظهارات اصحاب دعوی: 90/5/2 خواهان

حضور داشته و اعلام داشته به دلیل فقر مالی با توجه به اینکه

راننده می‌باشد و درآمد خاص ندارد و بیمه اش قطع شده از عهده پرداخت مبلغ فوق بر نمی‌آید.

(رای دادگاه)

در خصوص دادخواست تقدیمی آقای مسلم به طرفیت شرکت حمل و نقل با وکالت آقای عباس به خواسته اعسار از پرداخت محکوم به دادنامه 32 مورخ 90/1/30 صادره از سوی شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان مبنی بر محکومیت وی (خواهان) به فسخ قرارداد شماره 88/5/114 مورخ 88/5/20 مبلغ 1/020/000 ریال بابت هزینه دادرسی نظر به محتویات پرونده، مدارک ابرازی خواهان و برای اینکه اولاً محکوم به فسخ قرارداد می‌باشد و هزینه دادرسی نیز به تبع آن است ثانیاً وکیل خواهان اظهار داشت در خصوص هزینه دادرسی اصلاً تقاضای اجرائیه نمی‌کند و گذشت خود را اعلام می‌کند. دادگاه با استناد به ماده 2 قانون آئین دادرسی مدنی مصوب 79 قرار رد دعوی (عدم استماع) خواهان را صادر و اعلام می‌دارد رای صادره حضوری و ظرف بیست روز قابل تجدید نظرخواهی در محاکم تجدید نظر می‌باشد.

تحلیل کارآموز: با توجه به اینکه آنچه خواهان در رای اشاره شده در ستون خواسته را بدان محکوم شده فسخ قرارداد اجاره می‌باشد لذا اعسار از محکوم به معنی نداشته و قاضی محترم توجه به این امر را داشته و با استناد به ماده 2 قانون آئین دادرسی مدنی رای بر رد دعوی را صادر نموده است. رای صادره مطابق موازین شرعی و قانونی صادر شده و نظری خلاف آن نمی‌توان داشت.

گزارش 13

خواهان: حسن

خواننده: شرکت الماس برق... محمدرضا... مدیرعامل

خواسته: صدور حکم مبنی بر الزام خوانندگان به پرداخت مبلغ

60000000 ریال بابت اصل دین و مبلغ 30000000 ریال بابت خسارت عدم

انجام تعهد و جبران خسارت وارده از جمله هزینه دادرسی و

تاخیر تادیه کپی مصدق رسید مؤید مدیون

هزینه دادرسی: دعوی مالی 1750000 ریال طی فیش مورخ 88/1/20 و 5000 ریال

ابطال تمبر

مواد استنادی: 194 و 195 و 197 و 196 و 204 و 515 و 519 و 198 قانون آئین دادرسی

مدنی مصوب 1379

تصمیم دادگاه: محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ مذکور در ستون

خواسته به علاوه هزینه دادرسی

گردشکار: خواننده به موجب یک رسید متعهد به پرداخت مبلغ

60,000,000 ریال بوده است و متعهد شده جهت پرداخت مبلغ مذکور یک

ماه از تاریخ تنظیم رسید نسبت پرداخت آن اقدام نماید و در

صورت عدم ایفاء تعهد ملزم به پرداخت 30000000 ریال خسارت به

خواهان می‌گردد که از انجام تعهد خودداری نموده و خواهان

مبلغ 90000000 ریال بابت اصل طلب و خسارت مقرر شده از دادگاه

درخواست صدور حکم تقاضا داشته است.

وقت جلسه رسیدگی و اظهارات اصحاب دعوی: 89/7/11 وقت رسیدگی

خواهان به موجب شرح دادخواست تقدیمی اظهارات خود را اعلام

داشته و خواننده اقرار داشته که مبلغ چهار میلیون و دویست و

پنجاه هزار تومان بدهکار هستم.

خواننده دادخواست تقابل تقدیم دادگاه نموده است با این شرح

که خواننده تقابل یک دستگاه اتومبیل در تاریخ 87/5/1 از وی

تحویل گرفته که ماهیانه مبلغ 2500000 ریال در سررسید هر ماه

پرداخت نماید تا تاریخ 88/12/30، مشروط بر اینکه سند عادی

تنظیمی مورخ 88/1/30 باطل شود و مبلغ يك ميليون تومان به حساب خواهان اصلي واریز نموده ام و خواهان دعوي اصلي در مقابل دفاع نموده که این يك ميليون تومان بابت بدهي ديگري بوده است.

تصميم دادگاه :

گردشکار : دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رای می‌نماید.

(رای دادگاه)

الف) در خصوص دادخواست تقدیمی آقای حسن ... به طرفیت شرکت الماس برق ... مدیریت عامل آقای محمدرضا ... به خواسته الزام خوانده به پرداخت مبلغ 60000000 ریال بابت اصل دین و مبلغ 30000000 ریال بابت خسارت عدم انجام تعهد و جبران خسارت وارده از جمله هزینه دادرسی و تاخیر تأدیه با این توضیح که خواهان اظهار داشته است شرکت خوانده با مدیریت عامل آقای محمد رضا ... بموجب سند عادی پیوست دادخواست مبلغ 60000000 ریال به وی بدهکار است و متعهد بپرداخت آن در سررسید معین یعنی یکماه از تاریخ امضاء (88/1/20) شده است که تاکنون هیچ اقدامی در جهت برداشت بدهی خود بعمل آمده و به تعهدات معهود خود عمل ننموده است لذا محکومیت خوانده وفق ستون خواسته مورد استدعاست نظر به محتویات پرونده و مدارک ابرازی خواهان، و با عنایت به اینکه خوانده در جلسه دادرسی تأیید نموده است که مبلغ 60000000 ریال در وجه خواهان واریز نموده است و قبض مربوط به مبلغ یاد شده را ارائه نکرده است دادگاه دعوي خواهان را وارد تشخیص داده و با استناد بمواد 194 و 195 و 196 و 204 و 515 و 519 و 520 قانون آئین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت:

1- مبلغ 90000000 ریال بابت اصل دین و خسارت تاخیر تادیه طبق توافق طرفین 2- 1750000 ریال بابت هزینه دادرسی 3- خسارت تاخیر تادیه از تاریخ 88/1/20 بر اساس شاخص قیمت سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران معین شده در زمان اجرای حکم محاسبه خواهد شد. در حق خواهان صادر و اعلام می‌دارد.

ب) در خصوص دادخواست آقای محمدرضا... به طرفیت آقای حسن... به خواسته دعوی تقابل و ابطال سند پیوست خوانده تقابل در پرونده کلاسه 100431/86 ح با این توضیح که خواهان تقابل، اظهار نموده است حسب قرارداد بین وی و خوانده یک دستگاه اتومبیل پیکان به صورت اجاره ماهیانه 25000000 ریال در اختیار خوانده باشد که بعلمت مشکلات مالی اجاره 20 ماه آن یعنی تقریباً 50000000 ریال به تصدیق اسناد که نامبرده نوشته ای از وی اخذ نموده (مستند دعوی اصلی) در حالی که بر اثر تلقین خوانده مبادرت به نوشتن سند عادی مستند دعوی اصلی را نموده است و قصد نداشته است لذا حکم ابطال سند عادی مورد استدعاست نظر به محتویات پرونده و با عنایت به مدارک ابرازی خواهان تقابل و با عنایت به مطالب مطروحه در بند الف رای دادگاه خواسته خواهان تقابل را وارد ندانسته و با استناد به مواد 194-195-197-198 قانون آئین دادرسی مدنی مصوب 1379 حکم به ابطال دعوی خواهان تقابل صادر و اعلام می‌دارد. رای صادر شده حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در مراجع تجدید نظر استان می‌باشد.

تحلیل کار آموز: دعوی تقابل خوانده اصلی ارتباط کامل با دعوی اصلی

داشته و شمول ماده 141 قانون آئین دادرسی مدنی بوده ولیکن بدلیل آنکه خواهان تقابل، دلیلی در خصوص اثبات دعوی خود احراز ننموده است قرار رد دعوی خواهان تقابل صادر و در نتیجه دعوی اصلی وارد تشخیص داده شده که صدور رأی طبق موازین شرعی بوده و ایرادی برآن وارد نیست.

گزارش 14

خواهان: قربان

خوانده: 1- محمد... 2- پرویز... مدیر عامل شرکت تعاونی ... 3- محمد... 5- منوچهر...

خواسته: محاسبه و سود و زیان و حق السهم با نرخ روز و الزام خواندگان به پرداخت کلیه حقوق خواهان از شرکت فوق و حق الوکاله وکیل و کلیه خسارت قانونی وفق صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخه 70/12/10 علی الحساب مقوم به 200,000,000 ریال
هزینه دادرسی: 3,950,000 ریال طی فیش و 50000 ریال ابطال تمبر

مواد استنادی: ماده 2 قانون آئین دادرسی مدنی

تصمیم دادگاه: قرار به رد بطلان دعوی

گردشکار: خواهان جزء سهامداران و موسسین شرکت تعاونی... بوده است که بموجب صورتجلسه تقدیمی مورخ 70/12/10 از شرکت اخراج شده و مدیران شرکت متعهد شده اند که در تمام سود و زیان و حق السهم خواهان را محاسبه نمایند و به وی پرداخت کنند ولیکن از انجام تعهدات خود خودداری نموده و متعاقباً خواهان با تقدیم دادخواست نسبت به صدور حکم به محکومیت خواندگان به پرداخت حق السهم سود و زیان شرکت اقدام نموده. مدیر دفتر با بررسی دادخواست و ضامم نسبت به تعیین وقت و ابلاغ طی اخطاریه برای روز 89/9/16 اقدام نموده.
در جلسه رسیدگی وکیل خواهان آقای محمد حسین... حضور داشته ولی هیچیک از خواندگان حضور پیدا نکرده و لایحه ای از سوی ایشان به دادگاه ارسال نشده است.

در تاریخ 89/12/9 لایحه ای از سوی آقای مجید... وکیل دادگستری آقایان محمد... و پرویز... به دادگاه ارائه شد و بدینوسیله فوت خوانده ردیف 4 آقای محمد اعلام می‌گردد. بدین صورت رای دادگاه مبنی بر قرار توقیف دادرسی صادر می‌گردد.

(رای دادگاه)

در خصوص دادخواست تقدیمی آقای محمدحسین... به وکالت آقای قربان... به طرفیت 1- شرکت تعاونی... 2- محمد... 3- پرویز... (هر دو با وکالت مجید... 4- محمد 5- منوچهر... به خواسته محاسبه سود و زیان حق السهم به نرخ روز و الزام خواندگان به پرداخت کلیه حقوق خواهان از شرکت مورد اشاره نظر به محتویات پرونده و برای اینکه خواهان بشرح صورتجلسه مورخ 89/12/10 اعلام نمود که احدی از خواندگان به نام محمد فوت نموده است دادگاه با استناد به ماده 105 قانون آئین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 79 قرار توقیف دادرسی را صادر و اعلام به طرف دیگر دعوی ابلاغ تا نسبت به تعرفه وراثت متوفی اقدام فرماید وکیل خواهان ورثه متوفی را اعلام نموده.

در ادامه رسیدگی:

وکیل خواهان با اعلام ورثه خوانده ردیف 4 مرحوم محمد... به شرح ذیل شرایط ادامه دادرسی را فراهم می‌نماید:
1- روح انگیز... 2- علی... 3- سعید... 4- پریسا... 5- سمیرا...
جلسه دوم رسیدگی در تاریخ 90/3/22 تعیین شد.
در جلسه رسیدگی خواندگان ردیف 1 و جانشینان خوانده ردیف 4 حضور نیافته.

وکیل خوانده ردیف 1 و 2 (محمد... و پرویز...) حضور یافته و ایراد شکلی به دعوی وارد کرده مبنی بر اینکه دعوی علیه موکلین و جاهت قانونی ندارد چرا که شرکت دارای شخصیت

حقوقی بوده و دارای حقوقی مستقل و طرح دعوی می‌بایست علیه شرکت مطرح می‌شد.

ایراد ماهیتی: در صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده تقدیمی از سوی خواهان تصریح شده که خواهان بدهی به شرکت دارد که بدهی مزبور معادل طلب ایشان می‌باشد که به شرکت هیچ پرداختی نداشته است.

و آنچه موثر در تصمیم دادگاه بوده و از سوی وکیل خواننده تقدیم دادگاه شده رای صادره بشماره 469 مورخ 19/4/85 از سوی شعبه 1 دادگاه عمومی حقوقی شهرستان بوده که موضوع خواسته انحلال شرکت تجاری موضوع این پرونده (شرکت تعاونی...) بوده است و تصمیم دادگاه به شرح ذیل می‌باشد.

رای دادگاه: با بکارگیری دو عضو در حال حاضر با حضور سه عضو

کامل خواهان و خواندگان در حال فعالیت از نسبت به افزایش اعضاء اقدام شده به استناد بند 2 ماده 73 شرکت تعداد اعضاء به حد نصاب نرسیده و به موجب ماده 6 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی انحلال و تسویه شرکت را خواستار شده.

به حسب ماده 2 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی مصوب 1370/6/13 تنها شرکتهایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به ثبت برسند را بعنوان تعاونی شناخته است. با توجه به اینکه به موجب ماده 65 قانون مذکور تعداد اعضاء شرکت تعاونی نباید از 7 نفر کمتر باشد اعضاء هیئت مدیره 5 نفر بوده در این دوران فعالیت و چون که شرکت بدون رعایت مقررات قانون بوده است دادگاه دعوی خواهان را وارد ندانسته و به استناد مواد 197 قانون آئین دادرسی مدنی بطلان دعوی را صادر و اعلام می‌نماید.

تصمیم دادگاه در ختم رسیدگی:

رای شماره 151 مورخ 90/3/23

گردشکار: دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رأی مینماید.

(رأی دادگاه)

در خصوص طرح دعوی آقای محمد حسین ... بطرفیت 1. محمد... 2. پرویز... 3. شرکت تعاونی... 4. محمد... که با توجه به فوت وی آقایان و خانمها علی .سعید.پریسا. سمیرا. روح انگیز بعنوان وراث و جانشینان وی معرفی شده اند 5. منوچهر... به خواسته محاسبه سود و زیان و حق السهم به نرخ روز و الزام خواندگان به پرداخت کلیه حقوق خواهان و کلیه خسارات دادرسی از جمله حق الوکاله وکیل به مبلغ 200,000,000 ریال با این توضیح که خواهان اظهار داشت: بر حسب مندرجات و آخرین آگهی تغییرات شرکت تعاونی... خواهان از جمله موسسین و سهامداران شرکت مذکور بوده است که حسب صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده از تاریخ 70/12/10 از شرکت اخراج شده است که مقرر گردید که کلیه حقوق و حق السهم موکل پس از محاسبه پرداخت گردد که مدیران شرکت تاکنون به تعهدات خویش مبني بر محاسبه سود و زیان و در نهایت پرداخت حق السهم موکل اقدام نکرده اند لذا صدور حکم طبق ستون خواسته مورد استدعاست نظر به محتویات پرونده مدارك ابرازي وکیل خواهان، وکیل خواندگان ردیف اول و دوم در جلسه دادرسی و ابراز مدارك از ناحیه وی برای اینکه وکیل خواهان اظهار داشت دعوی در واقع به طرفیت شرکت تعاونی طرح گردیده است و با عنایت به مفاد دادنامه صادره از شعبه اول حقوقی فیروزکوه اعلام شده است شرکت طبق مقررات قانونی تعاونی تشکیل شده است و چنین شرکتی با توجه به مقررات قانونی وجود خارجی نداشته است تا محاسبه سود و زیان بر آن مترتب باشد دادگاه دعوی وکیل خواهان را وارد نمی‌داند و با استناد به مواد

194، 195، 197 قانون آئین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 1379 حکم به بطلان دعوی وکیل خواهان صادر می‌نماید رای صادر شده حضوری محسوب و ظرف مدت 20 روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر استان می‌باشد.

تحلیل و نظر کار آموز: بموجب ماده 195 قانون تجارت: ثبت کلیه شرکتهای

مذکور در این قانون الزامی و تابع مقررات ثبت شرکتهای می‌باشد.

با عنایت به ماده فوق با جمیع جهات در پرونده فوق که شرکت به حد نصاب نرسیده و به ثبت شرکتهای نرسیده است با برداشت از ماده فوق به این نتیجه خواهیم رسید که اگر شرکتی وفق مقررات این ماده تشکیل نشده باشد و به ثبت قانونی نرسیده باشد تابع قوانین این قانون (قانون تجارت) نمی‌باشد.

و با توجه به ماده فوق آنچه که بدان می‌توان استناد کرد ماده 571 قانون مدنی می‌باشد که تصریح می‌دارد شرکت عبارتست از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه. و همچنین ماده 573 تصریح داشته: شرکت اختیاری یا در نتیجه عقدي از عقود حاصل می‌شود یا در نتیجه عمل شرکاء از قبیل مزج اختیاری یا قبول مالی مشاعاً" در ازاء عمل چند نفر و نحو اینها.

بموجب مواد مرقوم شده باید اظهار داشت که هرچند شرکت تجاری محسوب نشده و دارای شخصیت حقوقی مستقل نمی‌باشد و نمی‌توان قوانین قانون تجارت را بدان مستند نمود ولیکن از موارد مندرج در قانون مدنی بوده و از تعاریف شرکت در قانون مدنی می‌باشد. و از آنجائیکه خواهان در این پرونده صرفاً شرکت را تنها طرف دعوی قرار نداده و اشخاص حقیقی را نیز بعنوان خواندگان اعلام داشته لذا از جهت قانون مدنی قابل رسیدگی بوده و رای صادره به استدلال آنکه شرکت به طریق قانونی تشکیل نشده صحیح نبوده است.

گزارش 15

خواهانها: 1- همایون ... 2- شاهیندوخت ... 3- محمد علی ...

خوانده: 1- صادق ...

خواسته: بدو رفع بازداشت پلاک ثبتی 8 اصلی گرمین و الزام خوانده به تنظیم سند انتقال قطعی ملک موصوف بموجب مبیعه نامه عادی بمساحت ده هکتار دیم مقوم به مبلغ 51/000/000 ریال
هزینه دادرسی: دعوا مالی و پرداخت مبلغ 1/020/000 ریال

مواد استنادی: مواد 197 و بند 7 ماده 84 قانون آئین دادرسی مدنی

تصمیم دادگاه: صدور رای مبنی بر قرار رد دعوی خواهانها

گردشکار: خواهانها بموجب مبیعه نامه عادی خریدار یک قطعه زمین زراعی دیمی بمساحت ده هکتار به پلاک ثبتی 8 اصلی گرمین فیروزکوه بوده است که خوانده در ایفاء تعهد خودداری نموده و خواهانها در پرونده کلاسه 376/1/83 شعبه 1 دادگاه عمومی حقوقی الزام خوانده را به تنظیم سند قطعی انتقال رسمی را خواسته اند و از آنجائیکه دادگاه استعلامی از اداره ثبت اسناد و املاک فیروزکوه درخواست نموده و اداره مذکور چنین اشعار داشت که سند مالکیت فوق الذکر بنام خوانده نبوده و به نام شخص دیگری سند مالکیت صادر و تسلیم شده و همچنین بازداشت بودن آن را به دادگاه اعلام داشته است و رای دادگاه به شرح بر ذیل صادر گردید:

(رای دادگاه)

در خصوص دعوی خواهانها 1- همایون... 2- شاهیندخت... 3- محمد علی... بطرفیت خوانده صادق... مبنی بر الزام خوانده به انتقال سند رسمی یک قطعه زمین بمساحت ده هکتار از پلاک 8 اصلی گرمین با توجه به وصول پاسخ استعلام ثبتی اسناد و املاک مشخص می‌گردد که شخص خوانده هیچگونه مالکیتی در پلاک مورد اشاره ندارد تا بتوان وی را ملزم به تنظیم سند رسمی بنام خواهانها نمود لذا مستنداً بماده 198 قانون آئین دادرسی مدنی حکم به رد دعوی خواهانها صادر و اعلام می‌گردد رای صادره حضوری محسوب و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه محترم تجدید نظر استان است.

سپس با اعتراض به رای صادره از سوی خواهانها در دادگاه تجدیدنظر استان رأی بر قطعیت رأی مورد اعتراض صادر گردید.

سپس پس از گذشت چند سال خواهانها در پرونده دیگری (100/1/88) دادخواست مبنی بر رفع بازداشت به دادگاه اعلام داشتند بدان جا که مجدد دادگاه استعلامی از اداره ثبت اسناد و املاک درخواست نموده است که بشرح ذیل مشروح می‌دارد:

ریاست محترم دادگستری و رئیس شعبه اول دادگاه عمومی؛

احتراماً عطف به شماره 1/836 مورخ 87/10/20 در خصوص پلاک 8 اصلی گرمین اشعار می‌دارد به حکایت پرونده ثبتی مراتب بشرح ذیل اعلام می‌گردد ششدانگ مرتع تحت پلاک 8 اصلی طی سه فقره اظهارنامه ثبتی بنام بانوان سیاره.. و منور... مشاعا و به السویه نسبت به سه دانگ مشاع و آقای ابوطالب... نسبت به 5 سهم مشاع از 24 سهم مشاع و غلامرضا و نعمت اله... نسبت به 1 دانگ و 30 سیر از ششدانگ را در ثبت اسناد پذیرش ثبت نموده اند و تحدید حدود بدون نقشه برداری بعمل آمده است.

2- سند مالکیت 6 دانگ مرتع مرقوم تحت پلاک 48 اصلی ضمن رقبات دیگر مجدداً در ثبت اسناد و املاک قائم شهر در سال 1317 بنام رضا شاه سابق صادر و تسلیم گردید سپس برابر صورتمجلس تفکیکی به شماره 7719 مورخ 38/7/15 پلاک مرقوم ضمن رقبات دیگر تفکیک گردید و برابر سوابق ثبتی قائم شهر و طبق سند رسمی 24329

مورخ 39/9/12 دفتر خانه 100 تهران 3 دانگ مشاع مرتع گرمین از طرف شاهپور محمود رضا پهلوی به آقایان غلامرضا.. ونعمت... صلح شده است و نیز به حکم شماره 414 مورخ 23/10/27 دادگاه املاک واگذاری و گواهی شماره 3615 مورخ 33 /7/14 دادگاه تجدید نظر 3 دانگ مشاع از ششدانگ مرتع مذکور به بانوان سیاره... و منور... مالک اولیه ثبت فیروزکوه تحویل و مسترد گردیده همچنین طبق سند رسمی شماره 68569 مورخ 51/5/17 دفترخانه 116 تهران مقدار 3 دانگ مشاع از طرف شاهپور غلامرضا پهلوی به شرکت تولیدی کشاورزی... انتقال قطعی یافته است و همچنین اداره منابع طبیعی درخواست اجرای مواد 39 و 13 قانون جنگلها را نموده که قبل از اجرای مادتين مذکور وزارت جهاد کشاورزی استان تهران طی سند رسمی 7731 مورخ 81/2/2 تنظیمی دفترخانه 481 تهران مقدار 75000 متر مربع را مشاع از مورد ثبت را به شرکت تولیدی دامداری کشاورزی... انتقال قطعی داده است و سپس برابر صورتمجلس تفکیکی شماره 5241 مورخ 84/4/20 این اداره پلاک مرقوم به 2 قطعه مرتع ملی و مستثنیات تفکیک گردیده که تاکنون اسناد مالکیت قطعات تفکیکی صادر نگردیده و همچنین در اجرای دستور ماده 147 اصلاحی قانون ثبت سند مالکیت 6 دانگ یک قطعه زمین بمساحت 178800 متر مربع به شماره پلاک 1 فرعی مفروز و مجزا شده از 8 اصلی گرمین به ذیل ثبت 10212 صفحه 150 دفتر جلد 73 املاک بنام آقای صادق... صادر و تسلیم گردیده است سپس طی سند رسمی شماره 45467 مورخ 86/3/30 دفترخانه تمامیت 6 دانگ پلاک به آقای شمس علی... انتقال قطعی یافته است که سابقه ای از بازداشت مشاهده نشده است و همچنین سند مالکیت 6 دانگ یک قطعه زمین بمساحت 34950 متر مربع بشماره دو فرعی از 8 اصلی به ذیل ثبت 10213 صفحه 154 دفتر 73 املاک بنام صادق... صادر و تسلیم گردیده است سپس طی سند رسمی شماره 45468 مورخ 86/3/3 دفترخانه 2 تمامیت 6 دانگ پلاک موصوف به آقای شمس علی... انتقال یافته است که دفتر املاک حکایتی از بازداشت ندارد.

ضمناً پلاک 1 فرعی مرقوم بازداشت شده و مجدداً رفع بازداشت شده است.

با توجه به استعلام اداره ثبت اسناد و املاک دادگاه مستند به پاسخ آن مبادرت به صدور رای می‌نماید؛

(رای دادگاه)

در خصوص دعوی خواهانها همایون... شاهیندخت... محمد علی... بطرفیت صادق... بخواسته رفع بازداشت از پلاک ثبتی 1 و 2 فرعی از 8 اصلی گرمین و الزام خوانده به تنظیم سند انتقال قطعی پلاک مذکور به خواهانها به استناد مبایعه نامه عادی فی ما بین به انضمام هزینه دادرسی بدین توضیح که خواهانها مدعیند به موجب مبایعه نامه عادی استنادی منضم دادخواست به میزان ده هکتار از اراضی پلاک ثبتی مذکور را از خوانده خریداری و ثمن آن را پرداخته اند با توجه به اینکه ملک در پرونده اجرای احکام در بازداشت بوده است و بدواً تقاضای دستور رفع بازداشت از ملک و سپس الزام خوانده به انتقال رسمی ملک را خواستار شده اند علی هذا دادگاه با توجه به تقاضای دستور رفع بازداشت از ملک و سپس الزام خوانده به انتقال رسمی ملک را خواستار شده اند علی هذا دادگاه با توجه به مجموع محتویات پرونده و استعلامات ثبتی مؤید آن است که اولاً خوانده در حال حاضر مالکیت رسمی در پلاک ثبتی مذکور ندارد چرا که دو قطعه زمین که سند مالکیت آن بنام وی بوده است را به آقای محمد... منتقل نموده است و از سوی دیگر حسب رأی شماره 10/9/11779 مورخ 77/11/10 کل محدوده 25 هکتاری مورد مالکیت خوانده در پلاک 8 اصلی گرمین موات اعلام گردیده است لذا دادگاه با توجه به مراتب و عدم مالکیت رسمی خوانده در پلاک ثبتی موضوع خواسته و با توجه به اینکه صدور حکم خواسته خواهان مستلزم مالکیت ثبتی خوانده در پلاک موضوع خواسته است علی هذا دادگاه دعوی خواهانها را وارد تشخیص نداده و به استناد ماده 197 قانون آئین دادرسی مدنی و بند 7 ماده 84 قانون مذکور قرار رد دعوی خواهانها را صادر می‌دارد قرار صادره حضوری و

ظرف بیست روز از از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در دادگاه تجدید نظر استان است.

نظر و تحلیل کار آموز: رأی صادره صحیح و بحق می‌باشد. آنچه می‌توان بدان اشاره کرد آنکه می‌توان بند 4 از ماده 84 قانون آئین دادرسی مدنی استناد کرد چراکه دعوی مطروحه متوجه شخص خوانده نمی‌باشد.

گزارش 16

خواهان: 1- علی

خوانده: 1- مهدی

خواسته: تقاضای صدور حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ 70000000 ریال بابت یک فقره چک و کلیه خسارت تاخیر تأدیه و هزینه دادرسی

منضمات دادخواست: تصویر چک - گواهی عدم پرداخت چک

هزینه دادرسی: مبلغ 1/361/000 ریال

تمبر

اوراق: 9000 ریال

مصادر استنادی: 310 و 313 قانون تجارت و

موارد 522، 519، 515، 198، 195، 194، ق. آئین دادرسی عمومی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال 1379

تصمیم دادگاه: صدور رای بر محکومیت خوانده

گردشکار: به موجب چک به شماره 895161 مورخ 88/12/18 خواننده نسبت

به پرداخت مبلغ 70000000 ریال متعهد گردیده که خواهان با مراجعه به بانک محل علیه به علت عدم موجودی گواهی عدم پرداخت به

خواهان تسلیم شده و وی به موجب دادخواست تقدیمی صدور حکم به الزام خوانده به پرداخت مبلغ فوق را از دادگاه درخواست دارد .

وقت جلسه رسیدگی و اظهارات اصحاب دعوی: 90/5/4 خواهان حضور ندارد

خوانده اظهار داشت اینجانب طی خرید یک دام از خواهان به مبلغ چهار میلیون و دویست هزار تومان ملزم به پرداخت ماهیانه 113/000 تومان شده ام که در مقابل یک فقره چک تضمینی صادر نموده ام متأسفانه به دلیل بیماری نتوانستم اقساط آن را بپردازم .

سپس دادگاه مبادرت به صدور رأی می‌نماید .

شماره دادنامه : 249 مورخ 15 / 5 / 90

(رای دادگاه)

در خصوص دادخواست تقدیمی آقای علی به طرفیت آقای مهدی به خواسته الزام خوانده به پرداخت مبلغ 70/000/000 ریال بابت یک فقره چک (88/12/18 عهده بانک سپه) با احتساب کلیه خسارات قانونی اعم از تاخیر تادیه و هزینه دادرسی با این توضیح که: خواهان در متن دادخواست اظهار داشت: خوانده مبلغ مورد اشاره را مدیون و به خواهان بدهکار است که با مراجعه به بانک با کسری موجودی مواجه و برگشت خورده است لذا محکومیت خوانده طبق ستون خواسته مورد استدعاست. نظر به محتویات پرونده اسناد و مدارک ابرازی خواهان، اظهارات خوانده در جلسه دادرسی مورخ 90/5/4 و برای اینکه اولاً وجود اصل چک در ید خواهان دلیل بر اشتغال ذمه خوانده می‌باشد ارائه شده است ثانیاً اسناد و مدارکی که موجب برداشت ذمه خوانده باشد ارائه نشده است ثالثاً برائت ذمه تقینی، دلیل یقین می‌خواهد رابعاً چک از اسناد تجاری محسوب که واجد وصف تجریدی و از منشاء آن منتزع است.

دادگاه دعوی خواهان را وارد تشخیص می‌دهد و با استناد به موارد 522، 519، 515، 198، 195، 194، قانون آئین دادرسی عمومی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال 1379 و 310 و 313 قانون تجارت حکم به محکومیت خوانده به پرداخت 1- مبلغ هفتاد میلیون ریال بابت اصل خواسته 2- و مبلغ 1/361/000 ریال بابت هزینه دادرسی و تمبرهای مربوطه 3- خسارت تاخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک تا اجرای حکم که در حین اجرای حکم بر اساس شاخص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران محاسبه و پرداخت خواهد شد. در حق خواهان صادر و اعلام می‌دارد، رای صادر شده حضوری است و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدید نظر استان می‌باشد.

تحلیل کارآموز: چک از اسناد لازم الاجرا بوده و صادر کننده ملزم به پرداخت آن بوده است و با توجه به اینکه خوانده خود اقرار به مدیون بودن مبلغ خواسته از سوی خواهان را نموده است و دلیلی بر بری ذمه بودن ارائه نکرده لذا رای دادگاه بحق و بدون ایراد و خدشه می‌باشد.

گزارش 17

خواهان: علی اصغر

خوانده: سازمان آب و فاضلاب شهرستان

خواسته: تقاضای تأمین دلیل با جلب نظر کارشناس در خصوص خسارت

وارد خوانده به يك دستگاہ ساختمان دو طبقه

منضمات دادخواست: جلب نظر کارشناس و معاینه محلی

هزینه دادرسی: 1000000 هزینه کارشناس تمیر اوراق: 5000 ریال

مواد استنادی: 315 قانون آئین دادرسی مدنی

تصمیم دادگاه: صدور قرار تأمین دلیل و اخذ نظریه کارشناس رسمی

دادگستری

گردشکار: خواهان مالك يك دستگاہ ساختمان دو طبقه بوده که به علت

ترکیبگی لوله آب اصلی مربوط به شرکت آب و فاضلاب شهرستان و

نفوذ آب بر پی ساختمان خواهان بوده است و موجب خساراتی به

ساختمان شده به صورتیکه دیوارها ترک برداشته و در حال ریزش

می باشد لذا خواهان درخواست تأمین دلیل و برآورد خسارات

وارد با جلب نظر کارشناس داشته است.

وقت جلسه رسیدگی و اظهارات اصحاب دعوی: به استناد مواد

315 و 319 قانون آیین دادرسی مدنی قرار تأمین دلیل کارشناس می

گردد.

(رأی دادگاه)

نظر کارشناس: احتراماً عطف به قرار تأمین دلیل پرونده فوق

الاشاره در مورد شکایت آقای علی اصغر... علیه اداره آب و

فاضلاب شهرستان در تاریخ 90/4/22 در دفتر دادگاه محترم حضور

یافته و پس از مطالعه پرونده و اطلاع از متن قرار در معیت

خواهان (علی اصغر...) از محل بازدید به عمل آمده است که

مشاهدات با رسم کروکی و عکس به شرح زیر گزارش می گردد.

((گزارش کارشناسی))

در تاریخ مذکور از يك دستگاه ساختمان مسكوني دو طبقه متعلق به آقای علي اكبر... واقع در كوچه شهيد شادمهر، منتهي به مسجد بازديد بعمل آمد شكستگي لوله آب آشاميدني كه از وسط كوچه و به فاصله تقريبا دو متری از پی دیوار خانه موصوف عبور می‌نماید سبب شد تا در اثر آب رفتگی طولانی مدت ، خاك ناحیه زیر پی ساختمان باعث ایجاد ترك برشي در دیوار راهروي طبقه همكف و اتاق سمت كوچه طبقه اول شده است عرض ترك بقدری است كه حادثه آفرین شده است.

نتیجه کارشناسی :

با توجه به کلیه شرایط موجود از قبیل مقاومت بنا، موقعیت آن با محل لوله آب آشامیدنی که از وسط كوچه عبور دارد فشار آب داخل لوله و سایر شواهد و قرائن موجود بدیهی است كه موارد مشاهده شده به شرح زیر ناشی از نشست پی در اثر تركیدگی لوله است.

1- دوترك به تقریباً 45 درجه از كف تا سقف دیوار راهروي همكف

2- باز بسته شدن درب طبقه همكف در اثر نشست چهارچوب درب 3-

ترك قائم و افقی اتاق گوشه ای در سمت كوچه طبقه اول مراتب به جهت اطلاع تهیه و تقدیم می‌گردد.

کارشناس رسمی دادگستری

تحلیل کارآموز: اولاً از آنجائیکه تأمین دلیل از دعاوی غیر مالی است

و هزینه دادرسی جدا از هزینه کارشناسی است لذا هزینه دادرسی وفق مقررات می‌باست از خواهان اخذ شود.

ثانیاً به موجب ماده 149 قانون آئین دادرسی مدنی در مواردی که اشخاص ذینفع احتمال دهند که در آینده از دلایل و مدارك دعوی آنان از قبیل تحقیق محلی و كسب اطلاع از مطلعین و استعلام نظر کارشناسان یا دفاتر...والخ...می‌تواند از دادگاه در خواست تأمین آن را بکند.

آنچه در این نظریه کارشناس محترم دادگستری وارد است اینکه خواهان در این پرونده میزان خسارت وارده را از دادگاه خواسته و در ستون خواسته ذکر نموده ولی کارشناس محترم برآورد آنرا در نظریه خود تصریح ننموده است و در مقابل خساراتی که به ساختمان خواهان وارد شده آنچه حائز اهمیت و دلیل برای اقامه دعوی از سوی خواهان می‌باشد برآورد خسارت می‌باشد که از چشم کارشناس پوشیده مانده است.

گزارش 18

خواهان: شرکت ... به مدیریت دکتر منصور 2- شرکت ایمن ... 3-
محمد رضا ... 4- هستی ...
خوانده: علی ...

وکیل: احمد وکیل دادگستری (وکیل خواهان)

خواسته: فسخ قراردادهای مورخه 88/9/25 به لحاظ عدم پرداخت ثمن معامله از جمله عدم پرداخت چکها و بدهی بانکی و مالیات و تامین اجتماعی و غیره مطالبه هزینه دادرسی و حق الوکاله مقوم به پنجاه و یک میلیون ریال

دلایل منضمات: کپی مصدق مبایعه نامه های مورخه 88/9/25

هزینه دادرسی: 10200000 ریال

مواد استنادی دادگاه: -197-515-519 قانون آئین دادرسی مدنی مصوب سال

79 و مواد 338 و 362 قانون مدنی

تصمیم دادگاه: صدور حکم مبنی بر فسخ قرارداد

گردشکار (شرح دادخواست): خواهان ها به موجب مبایعه نامه مورخه 88/9/25 فروشنده تعهدی از سهام شرکت به خریدار (خوانده) علی... بوده اند که در مقابل ثمن معامله را به صورت چک از خریدار دریافت نموده است علی رغم اینکه چکهای مربوطه وصول نشده و خریدار از پرداخت ثمن معامله خودداری نموده است لذا به جهت عدم تعهد به انجام شرایط مندرج در قرارداد با وکالت آقای احمد... (وکیل دادگستری) طرح دعوی خود را مبنی بر صدور حکم به فسخ قرارداد از دادگاه تقاضا دارند.

مدیر دفتر با بررسی دادخواست و ضمایم نسبت به تعیین وقت اقدام نموده و در جلسه اول رسیدگی مورخه 90/2/4 وقت رسیدگی به طرفین ابلاغ می‌گردد.

جلسه رسیدگی :

وکیل خواهان بشرح دادخواست خواسته خود را اظهار داشته است. خوانده حضور یافته و اظهار داشته است آدرس وی به خیابان ولی عصر بوده و هم اکنون آماده پاسخگویی ندارد

وقت مجدد رسیدگی 90/2/27

خوانده حضور ندارد وکیل خوانده حضور یافته و با تقدیم لایحه ای اظهارداشتند:

1- خواهان ها قبلاً در همین شعبه در خصوص فسخ قرارداد اجاره طرح دعوی نموده ولیکن به موجب دادنامه پیوستی به شماره 340 مورخ 88/4/30 به لحاظ نداشتن سمت قانونی قرار رد دعوی صادر شده با صدور چنین رأی پیوستن دعوی مجدداً از سوی مشارالیه وجاهت قانونی ندارد.

2- طبق بند 1 و 10 شرایط قرارداد فروشندگان ملزم به تحویل ملك شده اند ولیکن تعهد خود را ایفا نکرده اند.

3- طبق بند 2 شرایط عقد فروشندگان مکلف بوده با حضور جهت تنظیم وکالتنامه در خصوص انجام اقدامات در دفاتر ثبت و صاحبان سهام جهت امضا صورتجلسه حاضر شوند و مقدمات انتقال قانونی سهم انجام شود که هیچگونه اقدامی از سوی خواهان ها صورت نگرفته است.

4- خوانده در مقابل عدم ایفاء تعهد نسبت به فسخ قرارداد مخالفتی ندارد.

(رای دادگاه)

در خصوص دادخواست تقدیمی آقای احمد... به وکالت از 1- شرکت ... با مدیریت دکتر منصور 2- شرکت ... با مدیریت خانم پریا ... 3- هستی... 4- محمدرضا... به طرفیت علی... با وکالت آقای علی... به خواسته فسخ قراردادهای مورخ 88/9/25 به لحاظ عدم پرداخت ثمن معامله از جمله عدم پرداخت چک‌ها و بدهی بانکی و مالیات و تأمین اجتماعی و غیره و مطالبه هزینه دادرسی و حق الوکاله مقوم به پنجاه و یک میلیون ریال با این توضیح که وکیل خواهان‌ها اظهار داشت موکلش ملک دو شرکت مذکور برابر مبایعه نامه های مورخ 88/9/25 به نحو ید قانونی با دارا بودن شروط قانونی مندرج در مبایعه نامه و شرط تعهد در اجرای آن به خواننده فروخته است که خواننده از پرداخت کل ثمن معامله و حقوق دیگر استنکاف نموده است لذا صدور حکم وفق ستون خواسته مورد استدعاست نظر به محتویات پرونده مدارکی ابزاری وکیل خواهان و اظهارات وکیل خواهان و اظهارات وکیل خواننده که اعلام نمود موافق با فسخ می‌باشد. وی نیز خواستار فسخ است. دادگاه با پذیرش دعوی وکیل خواهان‌ها با استناد به مواد 194-197-515-519 قانون آئین دادرسی مدنی مصوب سال 79 و مواد 338 و 362 قانون مدنی حکم به فسخ قراردادهای موضوع خواسته و الزام خواننده به پرداخت مبلغ 1/20/000 بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه در حق خواهانها صادر و اعلام می‌دارد رأی صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدید نظر استان می‌باشد.

تحلیل کارآموز: مواد 515 و 519 قانون آئین دادرسی مدنی به خسارات

ناشی از تقدیم دادخواست اشاره دارد که محکوم علیه بدان محکوم می‌گردد و رأی صادره کاملاً قانونی و بحق بوده و ایرادی بر آن وارد نمی‌باشد.

گزارش 19

خواهان: نبی اله ...

خوانده: محمد ...

وکیل: احمد وکیل دادگستری (وکیل خواهان)

خواسته: صدور حکم بر اعسار و تقسیط از محکوم به به حسب دادنامه

شماره 857 مورخ 87/7/30 صادره از شعبه اول دادگاه حقوقی

شهرستان

هزینه دادرسی: دعوا غیر مالی 50000 ریال

مواد استنادی دادگاه: مواد 1،20،23،24 قانون اعسار مصوب 1313

تصمیم دادگاه: صدور رای بر تقسیط مبلغ محکوم به

گردشکار (شرح دادخواست): به موجب رای شماره 857 مورخ 87/7/30 آقای

نبی اله (خواهان) از محمد (خوانده) طرح دعوی مبنی بر اجرت المثل کارهای انجام شده مطرح نموده که با تقدیم دادخواست تقابل از سوی خوانده اصلی دعوی، حکم بر بی حقی خواهان اصلی صادر شده و خواهان اصلی محکوم به پرداخت مبلغ 150 میلیون ریال شده است بابت خسارات وارده به خواهان تقابل، حال طی دادخواست تقدیمی درخواست صدور حکم مبنی بر اعسار و تقسیط پرداخت محکوم به بموجب استشهادیه محلی مشروح بر عدم استطاعت مالی را از دادگاه خواستار شده است .

استشهادیه از سوی آقای احمد فرزند شعبان: اظهار داشت خواهان درآمد خاصی ندارد .

استشهادیه از سوی آقای مختار فرزند رحمت اله: خواهان عیال وار است و مال دنیا ندارد .

استشهادیه از سوی شعبانعلی فرزند داداش قلی: خواهان یک کارگر ساده بوده و اموالی ندارد.

استشهادیه از سوی آقای اسحاق فرزند یداله: یک قطعه زمین دارد که متعلق به دخترش بوده و بنام وی می‌باشد و شغل خواهان کارگر بنا است.

جلسه رسیدگی: دادگاه با بررسی پرونده و ضمائم دادخواست و ابلاغ جهت وقت رسیدگی در تاریخ 90/4/29 نسبت به تشکیل جلسه اقدام نموده است.

با حضور خواهان و خوانده جلسه تشکیل گردیده خواهان بشرح دادخواست اظهارات خود را اعلام داشته و خوانده نیز ایراد و یا دلیلی دال بر آنکه خواهان مالدار می‌باشد به دادگاه ارائه نکرده است لذا دادگاه با بررسی پرونده نسبت به صدور و انشائی رای اقدام نموده است.

شماره رای: 112 مورخ 90/5/5 صادره از سوی شعبه 1 دادگاه حقوقی شهرستان

گردشکار: دادگاه با بررسی در اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح آتی مبادرت به صدور رای می‌نماید.

(رای دادگاه)

در خصوص دادخواست تقدیمی آقای نبی اله به طرفیت آقای محمد به خواسته اعسار از پرداخت محکوم به دادنامه شماره 857 مورخ 87/7/30 صادره از شعبه اول دادگاه حقوقی شهرستان مبنی بر پرداخت مبلغ 150,000,000 ریال بابت اصل خواسته از ناحیه خواهان به خوانده پرونده حاضر به نحو یکجا و تقسیط آن نظر به محتویات پرونده اظهارات شهود به صفحات 9، 10، 11، 12 پرونده که حاکی از عدم توانایی خواهان پرداخت محکوم به نحو یکجا می‌باشد و

اظهارات طرفین در جلسه دادرسی، دادگاه و دعوی خواهان را وارد تشخیص می‌دهد و با استناد به مواد 1،20،23،24 قانون اعسار مصوب 1313 با اصلاحات بعدی حکم به اعسار خواهان از پرداخت محکوم به موضوع خواسته و به نحو یکجا و تقسیط آن به قرار ماهیانه 3,000,000 ریال صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره حضوری و مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر استان می‌باشد.

تحلیل کارآموز: نظر به اینکه ماده 24 از قانون اعسار ملغی شده لیکن ذکر آن در رأی صادره وجاهت قانونی ندارد با این حال نظر به ماده 23 که تصریح داشته مدعی اعسار باید شهادت کتبی لااقل چهار نفر را به دادگاه احراز نماید لذا رای صادره کاملاً قانونی و بحق بوده و ایرادی بر آن وارد نمی‌باشد.

گزارش 20

خواهان: زیبا...

خوانده: شیر محمد...

خواستہ: الزام خوانده به انتقال رسمی ثبتی شماره 1042 از 672

فرعی از 5 اصلی زمین زراعی واقع در خنداب مقوم به مبلغ پنجاه میلیون و ده هزار

هزینه دادرسی: دعوا مالی و پرداخت 1/000/000 هزار طیفیش و 5000 هزار

ابطال تمبر

ضمانت دادخواست: تصویر توافق نامه عادی مورخ 82/5/10

مواد استنادی دادگاه: مواد 194 و 195 قانون آئین دادرسی دادگاه عمومی

و انقلاب در امور مدنی مصوب 1379 و مواد 10,219,220 قانون مدنی

تصمیم دادگاه: صدور رأی بر محکومیت خوانده و الزام خوانده به

تنظیم سند رسمی

گردشکار (شرح دادخواست): یک قطعه زمین زراعی به پلاک ثبتی 1042 از 672

فرعی از 5 اصلی در مالکیت مرحوم شیر آقا بوده است که با فوت وی کلیه ورثه نسبت به انتقال سهم خود به موجب توافق نامه پیوستی با خواهان زیبا... اقدام نموده و خوانده پرونده شیر محمد از انتقال سهم خود خودداری نموده است لذا خواهان بدینوسیله در خواست صدور حکم، مبنی بر الزام خوانده به انتقال سهم خود را داشته است.

سند عادی توافقنامه پیوستی که جزء ضامنت دادخواست می‌باشد بشرح ذیل می‌باشد:

توافقنامه:

بدینوسیله اینجانبان ورثه مرحوم شیر آقا که اسامی بشرح ذیل آمده است متفقاً با علم به بندهای مندرج در این توافقنامه نظر

واحد که بمنظور اقدامات قانونی به فرزند ارشد آن مرحوم بنام آقای محمد جان... تفویض می‌نماییم. هرگونه اقدامات قانونی و شرعیه وفق قانون مدنی و حقوق امامیه می‌باشد.

شماره ملك 1042 از 672 فرعی از 5 اصلی از دفتر 71 شماره 10025 صفحه 548 ششدانگ این قطعه زمین مزروعی بمساحت 1907 متر مربع و 53 سانتیمتر مربع برابر وصیت شفاهی آن مرحوم به خانم زیبا... همسر آن مرحوم هبه می‌گردد.

جلسه رسیدگی: مدیر دفتر شعبه با بررسی دادخواست و ضمائم نسبت به تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ به طرفین دعوی مبادرت نموده است بدانجا که جلسه رسیدگی در تاریخ 89/12/16 مقرر گردیده است.

با حضور خواهان و خوانده دعوی جلسه رسیدگی تشکیل گردیده. خواهان اظهارات خود را بشرح دادخواست تقدیمی مطرح می‌دارد. خوانده اظهار داشته که: پدرم وصیت نموده که زمین را بنام مادرم و نسبت به سهم برادر شهیدمان انتقال دهیم تا او هم به فرزندان برادر شهیدمان بدهد ولیکن خواهان از وصیت پدرم استنکاف بعمل آورده و من هم از انتقال سند خودداری نموده ام. رئیس شعبه یکم دادگاه عمومی حقوقی با پایان جلسه دادرسی نسبت به صدور نامه استعلام از اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان فیروزکوه اقدام نموده و در پاسخ چنین ابراز داشته است:

احتراماً عطف به نامه 64389 مورخ 89/12/16 در خصوص آخرین وضعیت ثبتی پلاک 1042 فرعی از پلاک 672 فرعی از سنگ 5 اصلی به استناد پرونده ثبتی انتظار می‌دارد سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت 1907/55 متر مربع تحت پلاک فوق الاشاره با حق استفاده از آب طبق قانون ملی شدن آبهای کشور واقع در کلنور فیروزکوه ذیل ثبت 10025 صفحه 548 دفتر 71 املاک بنام شیرآقا بشماره مسلسل 958474 صادر و تسلیم گردید و سپس برابر دادنامه 827 مورخ 80/9/29 صادره از سوی شعبه اول

دادگاه عمومی به مالک فوت و وارث حین الفوت نامبرده عبارت عبارتند از 14-محمد2-شیرمحمد3شیراله4فریبا5-نساء6-فرشته7-فاطمه الزهرا اولاد متوفی و خانم زیبا همسر متوفی ولا غیر. پس آقای محمد نسبت به دو سهم و بانوان فریبا، فاطمه الزهرا، نساء، فرشته هر یک نسبت به یک سهم و شیراله اسکندری نسبت به دو سهم مشاع از ده سهم ششدانگ پلاک فوق الاشاره برابر سند 45588 مورخ 86/8/11 تنظیمی دفتر 2 به خانم زیبا انتقال قطعی دادند که سند مالکیت مالک اخیر ذیل ثبت 6683 صفحه 116 دفتر جلد 59 املاک به صورت 8 سهم مشاء از 10 سهم ششدانگ پلاک صدرالاشاره بر شماره مسلسل 405380 صادر و تسلیم گردید و همچنین خانم زیبا تمامیت هشت سهم مشاع خود را برابر سند 52744 مورخ 88/5/29 دفتر 2 فیروزکوه به آقایان محمد و شیراله هر یک نسبت به 2 سهم و بانوان دختران مرحوم به یک سهم صلح محاباتی نموده که بند اخیر منضم بشرط اختیار فسخ منافع مورد صلح مادام العمر با مصالح خانم زیبا... می‌باشد و پرونده ثبتی حکایتی دیگر ندارد.

تصمیم دادگاه:

شماره دادنامه: 56 مورخ 90/2/12 صادره از شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان

گردشکار: دادگاه با بررسی در اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح آتی مبادرت به صدور رای می‌نماید.

(رای دادگاه)

در خصوص دادخواست تقدیمی خانم زیبا به طرفیت آقای شیر محمد به خواسته الزام خوانده به انتقال سهم خوانده از پلاک ثبتی 1042 فرعی 672 از 5 اصلی واقع در کلفور مقوم به مبلغ 50,000,010 ریال با این توضیح که خواهان اظهار داشته به موجب توافق نامه پیوست دادخواست پلاک ثبتی مورد اشاره در سهم وی قرار گرفته است که کلیه ورثه مرحوم بنام شیر آقا به غیر از خوانده نسبت

به انتقال سند اقدام نموده اند ولی خواننده از انتقال سهم خود امتناع می‌نماید لذا محکومیت وی طبق ستون خواسته مورد استدعاست نظر به محتویات پرونده مدارک ابرازی خواهان پاسخ استعلام بشماره 414 مورخ 90/1/22 واصله از اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان به شرح صفحه ده پرونده و اظهارات خواننده بشرح صورتجلسه مورخ 89/12/16 که اصل توافقنامه را تائید نموده است ولی ادعا دارد که خواهان باید بنام شهید (برادرش) بکند، دادگاه دعوی خواهان را وارد تشخیص و با استناد مواد 194 و 195 قانون آئین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب 1379 و مواد 10،219،220 قانون مدنی حکم بر الزام خواننده و مراجعه به یکی از دفاتر اسناد رسمی و انتقال رسمی سهم خود از پلاک 1042 فرعی از 672 فرعی از 5 اصلی کلفور بنام خواهان صادر و اعلام می‌دارد. رای صادره حضوری و ظرف 20 روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر استان می‌باشد.

تحلیل کارآموز: آنچه که خواهان بدان استناد نموده توافقنامه عادی

پیوستی می‌باشد و آنچه از متن این توافقنامه استخراج می‌گردد هبه بوده و بموجب ماده 798 قانون مدنی؛ هبه واقع نمی‌شود مگر با قبول و قبض متهب اعم از اینکه مباشر قبض خود متهب باشد و یا وکیل او و قبض بدون اذن و اهب اثری ندارد.

در نتیجه از آنجائیکه قبض شرط صحت هبه می‌باشد و قبض و اقباض صورت نگرفته لذا و اهب می‌تواند مادامی که مال موهوبه را تسلیم نکرده از هبه رجوع نماید لذا آنچه از دفاعیات خواننده استنباط می‌شود رجوع از هبه می‌باشد و شایسته است دادگاه محترم نسبت به صورت عدم استماع دعوی به استناد ماده 2 قانون آئین دادرسی مدنی مبادرت می‌نموده.